

## جشن الفبا

🔴 پایان سال نزدیک بود و از طرفی به خاطر شروع ماه رمضان مجبور بودیم کارهای پایان سال بچه‌ها را زودتر سر و سامان بدهیم. از همه مهم‌تر می‌خواستیم برای بچه‌های کلاس اولی جشن الفبا برگزار کنیم.



هدی برهانی

آموزگار

يك فهرست از کارهایی که باید انجام می‌شد تهیه کردیم و روی برد دفتر نصب کردیم. برای آن همه کار فقط دو روز وقت داشتیم! نوشتن متن دعوتنامه، آماده کردن دکور، تمرین سرود بچه‌ها، بسته‌بندی کارنامه‌ها و فعالیت‌های کلاسی، مرتب کردن پوشه کاربرگ‌ها و سخت‌تر از همه پیدا کردن يك هدیه کوچک و ارزشمند برای بچه‌ها.

تمام کارها را انجام داده بودیم و همه چیز آماده برگزاری جشن بود. برای آخرین بار سرود را تمرین و بالا رفتن و پایین آمدن از صحنه را مرور کردیم و عصر با خیال این‌که همه چیز تمام شده راحت روی صندلی دفتر نشستیم به چای خوردن. اما چه نشستی! هنوز لیوان چای را از سینی برنداشته بودم که چشمم افتاد به فهرست کارها که روی تخته جا خوش کرده بود. هدیه یادمان رفت!!! يك سطل آب یخ روی سرم ریخته بودند. فردا ساعت ۱۱ مادرهای آمدند و ما هنوز حتی فکر نکرده بودیم که می‌خواهیم چه چیزی به عنوان یادگاری به بچه‌ها بدهیم!

هرکسی پیشنهادی می‌داد، خانم محمدی که از همه باسلیقه‌تر و خانم‌تر بود می‌گفت گل سر بدهیم، برای بعضی بچه‌ها خیلی لازم است! آن یکی می‌گفت جورچین و البته من هم که مشخص بود چه می‌گفتم! کتاب! در کسری از ثانیه پیشنهاد من مورد استقبال همه قرار گرفت. «باسواد شدن و می‌تونن کتاب بخونن! خیلی بامسماس!» از پیشنهاد بامسمایم هم خوشم آمده بود هم خودم را لعنت می‌کردم! کتاب هدیه دادن، یعنی خودم باید می‌رفتم به یکی از مراکز بزرگ عرضه کتاب و بهترین کتاب ممکن را دستچین می‌کردم و قبل از جلسه به مدرسه می‌رساندم! مغموم از مأثوریت سخت جدیدم راهی خانه شدم.

آن همه کتاب خوب می‌شناختم و پیدا کردن يك کتاب ساده از میانشان این قدر سخت شده بود؟ با وسواس خاصی توی قفسه‌های کتابخانه ذهنم دنبال يك کتاب باارزش، خوشخوان، بامفهوم و زیبا می‌گشتم. این صفت آخری شاید خیلی سطحی بود، اما هرچه بود برای اولی‌ها که عاشق جلد کتاب بودند خیلی اهمیت داشت. باید دنبال کتابی می‌گشتم که خواندن متنش هم برای يك کلاس اولی چندان مشکل نباشد.

فردا صبح من اولین مشتری باغ کتاب بودم. تندتند بین قفسه‌ها می‌گشتم و کتاب مورد نظر را جست‌وجو می‌کردم. «داستان‌های دوستی!»؛ يك مجموعه چند جلدی که هر کدامش راجع به يك اخلاق بود. یادگاری‌ها را در بسته کارنامه گذاشتیم و خیال همه‌مان راحت شد. شب وقتی پیام مادر شیمارا دیدم، تمام خستگی آن روز فراموشم شد. «داستان موهای طلایی رو خاله شیمارا براش خوند و آنقدر خوشش اومد که قرار شد دسته‌جمعی بریم مشاهد. آخه خاله شیمارا حالا مشاهد نرفته.» 🔴

## مشروطه خواهی فراتر از ایران

## مروری بر زندگی سید محمدعلی داعی الاسلام

🔴 گاهی برای حمایت از ارضی مقدس، باید مصداق بارز «سیروا فی الارض» شد. مقدرات و زمانه گاه انسان‌هایی را به عنوان مجاهد در خود دیده است که اوج پیرانشان مافوق آسمان دنیا می‌شود. مرزها برایشان بی‌معنی و تنها هدفشان بسط و گسترش فرهنگ، اصالت و عدالتخواهی می‌شود. حالا برخی از این خوش بال‌ها، خوشبختی هم یارشان می‌شود و تاریخ و مردمانش، همچون ستاره‌های دب اکبر، تك تك، از نشانه‌ها می‌شناسدشان و تقدیرشان می‌کنند. اما عده‌ای دیگر هستند که چون ستاره قطبی به آن‌که درستی راه را نشان می‌دهند، ناشناس باقی می‌مانند.

مشروطه و مشروطه خواهی و شخصیت‌های سازنده مشروطه، دوره مهم و اثرگذاری از تاریخ ایران است که به هیچ روی نمی‌توان اعتبارش را با سنجه‌ای دم دستی ارزش‌گذاری کرد. ستارخان، باقرخان، شیخ فضل‌الله نوری، میرزای شیرازی و میرزا کوچک خان جنگلی از جمله پرنده‌گان خوش بال آسمان مشروطه و مرزبانان بیداری بودند که تاریخ حق شناختشان را به جا آورد اما مردانی همچون محمدعلی داعی الاسلام را در حقشان اجحافی بزرگ کرد، گرچه باگذشت سال‌ها حالا در پی جبرانش برآمده است.

داعی الاسلام هر چند در زمان وقوع انقلاب مشروطه در ایران نبود اما در خارج از ایران و در هند، علاوه بر انعکاس اخبار ایران در مجله «دعوت الاسلام» و حمایت آشکار از مجلس و حکومت مشروطه، عقاید و آرای خود را درباره این موضوع بیان می‌کرد. داعی الاسلام از جمله مهاجران ایرانی است که در دوره قاجار و هنگام انقلاب مشروطه به هندوستان مهاجرت می‌کند و به جرأت می‌توان وی را در شمار مهم‌ترین شخصیت‌هایی قرار داد که در قرن چهاردهم قمری در سرزمین هند در عرصه ادبیات فارسی فعالیت می‌کرده‌اند.

سید محمدعلی لاریجانی، سال ۱۲۹۵ هجری قمری در دهکده نیاک واقع در بخش لاریجان شهرستان آمل به دنیا می‌آید و پس از طی دوران کودکی خود در زادگاهش برای ادامه تحصیل به اصفهان رحل اقامت می‌افکند. وی در زمان اقامتش در اصفهان به آموختن زبان‌های انگلیسی و عبری می‌پردازد و به سبب حضور مبلغان مسیحی در اصفهان به عنوان داعی اسلام برگزیده می‌شود تا در مناظره با دعوات مسیحی قرار گیرد. او به عنوان مبلغی اسلامی، حافظ و حامی سرحدات اسلام و مسلمین می‌شود و به کار خود ادامه می‌دهد تا جایی که شهرت وی همه جا را پر می‌کند و حاکم

وقت اصفهان، از مظفرالدین شاه درخواست می‌کند که لقب «داعی الاسلام» را به وی اعطا نماید. حالا دیگر همه محمدعلی لاریجانی را با لقب داعی الاسلام می‌شناسند و شهرت او به خارج از مرزهای ایران نیز کشیده می‌شود. محمدعلی، برای پاسداری از زبان و ادبیات فارسی تلاش‌های فراوانی می‌کند و از جمله تألیفات بی‌بدیل وی که در حفظ زبان فارسی برجا مانده «فرهنگ نظام» است که ریشه هر لفظ فارسی را در اوستا و سنسکریت مشخص می‌نماید و حتی ویژه می‌شود بر این‌که ارزش و اعتبار ویژه داعی الاسلام در زمان انقلاب مشروطه به عنوان شخصیتی بارز و بین‌المللی در جوامع علمی؛ هر چند او خارج از ایران می‌زیست، اما آنچنان به مسائل داخل ایران و اتفاقات جاری در آن مسلط بود و همه را دنبال می‌کرد که در جریان انقلاب مشروطه درباره اهمیت و بازتاب عملکرد مجلس شورای ملی ایران در شماره ۱۳ مجله دعوت الاسلام این‌گونه می‌نویسد: «تا قبل از انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی هیچ مطلبی درباره ایران در روزنامه‌های سایر نقاط جهان مطرح نمی‌شد، اما پس از تأسیس حکومت مشروطه، ایرانیان در کنار هم قرار گرفتند و دستاورد هایشان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بزرگان و سیاسیون جهان را تحت تأثیر قرار داد.»

به عقیده او، ایران قبل از انقلاب مشروطه و برپایی مجلس مانند قبرستانی وسیع بود که در آن چهل کرور مرده پوسیده مدفون باشند و ابدا حس و حرکتی از آنان صادر نشود تا يك مرتبه، دم محمد(ص) وزیدن گرفت و دل‌های مرده ایرانیان را زنده ساخت. محمدعلی در این مسیر برای کتاب و کتابخوانی اهمیت خاصی قائل بود و آن را زمینه‌ساز گسترش آگاهی عمومی و موفقیت حکومت مشروطه می‌دانست.

داعی الاسلام مشروطه و مجلس شورای ملی را بهترین شیوه اداره کشور مسلمان می‌دانست و از تصمیمات و دستاوردهای آن حمایت ویژه می‌کرد، اما حکایت

داعی الاسلام حکایتی است شیرینی که باید خودتان کلمه به کلمه بخواندیش تا شیرینی آن بر عمق جان‌تان نفوذ کند. سید محمدعلی داعی الاسلام، عنوان سومین کتاب از مجموعه کتاب‌های شخصیت‌های ماناست که با حمایت گروه ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری تهران و به قلم جمشید نوروزی توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. این کتاب در ۱۸۰ صفحه و در پنج فصل به ترتیب با نگاهی به زندگی داعی الاسلام از تولد تا استقرار در اصفهان و سفر حج و رفتنش به هندوستان، آثار علمی، اندیشه سیاسی، آثار مطبوعاتی و آثار ادبی وی را معرفی کرده و سپس به نقش وی در انقلاب مشروطه می‌پردازد. 🔴



داعی الاسلام هر چند در زمان وقوع انقلاب مشروطه در ایران نبود اما خارج از ایران و در هند، علاوه بر انعکاس اخبار ایران در مجله «دعوت الاسلام» و حمایت آشکار از مجلس و حکومت مشروطه، عقاید و آرای خود را درباره این موضوع بیان می‌کرد



يك صفحه از نشریه دعوت الاسلام